

تجسم اعمال و سوره یاسین

(عنا و مدانی بنام)

چکیده

از جمله امور مربوط به قیامت، موضوع «تجسم اعمال» است؛ یعنی عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می دهیم، حقیقت و باطن آن در جهان آخرت به صورتی زشت یا زیبا، لذت بخش یا دردآور ظاهر می شود و آدمی خود را میان اعمال مجسم شده خود می بیند. چنان چه از بعضی آیات به دست می آید این جهان کشتزار جهان دیگر است و عمل انسان به مانند دانه ای است که او در دل خاک می افشاند، سپس رشد و نمو کرده، در فصل درو، با مقادیر زیادتری برداشت می شود، اعمال انسان نیز در سرای دیگر به خود انسان باز می گردد.

نگارنده با توجه به اهمیت موضوع در این نوشتار کوشیده تا موضوع «تجسم اعمال» را در پرتو آیات قرآن با استفاده از کتب حدیثی و تفسیری در حد توان و امکان خود مورد پژوهش قرار دهد.

کلیدواژه ها: تجسم اعمال، قیامت، پاداش، بازتاب اعمال دنیا، آخرت، عمل، قرآن.

تجسم اعمال در قیامت

حقیقت و باطن عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می دهیم، در جهان آخرت به

صورت زشت یا زیبا، لذت بخش یا درد آور تجسم می‌یابد و آدمی خود را میان اعمال مجسم شده خود می‌بیند. سرنوشت انسان و نوع زندگانی او در قیامت، بستگی به همان اعمالی دارد که در این جهان انجام داده است. اگر عمری را بر اساس حق و حقیقت زندگی کرده و به تحصیل فضایل و کمالات پرداخته، صورت باطنی و ملکوتی کمالات خود را در آن جهان مشاهده می‌کند و به سعادت و وصف ناپذیر دست می‌یابد. و به عکس، اگر زندگی خود را بر اساس عناد، حق کشی، ستم و اعمال ناشایست و بد سر کرده، در آنجا همین کردار زشت او به صورت‌های وحشت آور و دردزا تجسم می‌یابد و او را دستخوش بزرگ‌ترین نکبت‌ها و رنج‌ها می‌سازد.

چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) ضمن حدیثی فرمودند: «هنگامی که انسان در آخرین روز ایام دنیا و اولین روز از ایام آخرت قرار می‌گیرد، اموال و فرزندان و اعمال او در برابرش مجسم می‌شوند. نگاهی به اعمالش می‌کند و می‌گوید: من نسبت به شما بی‌اعتنا بودم هر چند بر دوش من سنگین بودید، الآن چه چیزی برای من دارید؟ عملش می‌گوید: من همنشین تو در قبر و روز رستاخیز هستم؛ تا من و تو در پیشگاه پروردگارت حضور یابیم». سپس امام (ع) افزود: «اگر دوست خدا باشد، عملش به صورت خوشبوترین انسان با زیباترین چهره و جالب‌ترین لباس ظاهر می‌شود و می‌گوید: بشارت باد بر تو به آرامش و نعمت و بهشت پربرکت و قدمت خیر مقدم است سؤال می‌کند. تو کیستی؟ او در جوابش می‌گوید: من عمل صالح تو هستم که از دنیا - همراه تو - به سوی بهشت می‌روم»^۱.

امام صادق (ع) فرمود: «وقتی شخص با ایمان را در قبرش می‌گذارند، دری به رویش گشوده می‌شود و آن‌گاه جایگاه خود را در بهشت نظاره می‌کند؛ جالب این‌که نیت‌های خوب و بد مردم که عمل روحی آنان است، همانند اعمالشان مجسم می‌گردد... از آن دری که به عالم غیب گشوده شده، مردی با چهره زیبا خارج می‌شود. شخص با ایمان به او می‌گوید: تو کیستی که من از تو خوب‌تر ندیده‌ام؟ پاسخ می‌دهد: من نیت خوب تو هستم که در دنیا بر آن بودی و عمل خوب تو هستم که در دنیا انجام می‌دادی».

سپس حضرت فرمود: «هنگامی که شخص کافر در قبر گذاشته می‌شود، دری به رویش گشوده می‌شود و آن‌گاه جایگاه خود را در آتش می‌بیند: پس از همان در، مردی زشت روی خارج می‌شود. کافر به آن شخص می‌گوید: تو کیستی که من صورتی قبیح‌تر از تو

ندیده‌ام؟ پاسخ می‌دهد: من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام می‌دادی و رأی و عقیدهٔ خبیث توأم که در دل داشتی».^۲

غیر از خداوند و راسخین در علم، از آنچه در عالم برزخ بر مردگان می‌گذرد برای کسی راه اطلاع و آگاهی باز نیست؛ اما گاهی بر بعضی از افراد مخصوص در عالم کشف و شهود چیزهایی معلوم شده است که در ادامه به یک نمونه از آنها اشاره می‌شود.

روزی شیخ بهایی (قدس سره) به زیارت بعضی از ارباب حال که در مقبره‌ای از مقابر اصفهان مأوی کرده بود، رفت. آن شخص به شیخ گفت: من در این قبرستان امر غریبی مشاهده کرده‌ام و آن این است که دیدم جماعتی جنازه‌ای را آوردند و در این قبرستان دفن کردند. چون ساعتی گذشت، بوی خوشی شنیدم که از بوهای این عالم نبود، متحیر ماندم؛ به راست و چپ خود نظر کردم که بینم این بوی خوش از کجاست، ناگاه جوانی را دیدم خوش صورت که در لباس ملوک [= پادشاهان] نزد آن قبر می‌رود. پس رفت تا به آن قبر رسید و چون به آنجا نزدیک شد، دیگر او را ندیدم و این امر تعجب مرا بیشتر کرد؛ گویا که داخل آن قبر شده بود.

پس زمانی نگذشت که ناگاه بوی بدی به مشام رسید که از هر بوی بدی، پلیدتر بود. نگاه کردم، سگی را دیدم که به دنبال آن جوان می‌رود؛ پس به آن قبر رسید و ناپدید شد. باز تعجبم بیشتر شد.

ناگاه آن جوان خوش صورت، بدحال و بدشکل بیرون آمد و از همان راهی که آمده بود، بازگشت؛ من نیز به دنبال او رفتم و از او خواهش کردم که حقیقت حال را برایم بازگو کند. او گفت من عمل صالح این میت بودم و مأمور بودم که در قبر او باشم. آن سگی را که دیدی آمد، عمل غیر صالح او بود، من خواستم او را از قبر بیرون کنم و به حق مصاحبت او وفا نمایم ولی آن سگ مرا دندان گرفت و گوشت مرا کند و مجروح ساخت. آن چنان که می‌بینی و نگذاشت که با او باشم. پس دیگر نتوانستم در قبرش بمانم. بیرون آمدم و او را تنها گذاردم. چون آن مرد این حکایت را برای شیخ نقل کرد، شیخ فرمود: راست گفتی ما قائلیم به تجسم اعمال و صورت گرفتن آنها به شکل‌ها و صورت‌های مناسب به حسب احوال افراد.^۳ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فکر کن که به پایان زندگی رسیده‌ای، و در زیر خاک‌ها پنهان شده، و اعمال تو را بر تو عرضه داشتند، آنجا که ستمکار با حسرت فریاد می‌زند، و

تباه کننده عمر و فرصت ها، آرزوی بازگشت دارد؛ اما راه فرار و چاره مسدود است.^۴
تجسّم عمل به صورت نور در سخن پیامبر (ص): در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
 «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ صَوَّرَ لَهُ عَمَلَهُ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ فَيَقُولُ لَهُ أَنَا عَمَلُكَ فَيَكُونُ لَهُ
 نُورًا وَقَائِدًا إِلَى الْجَنَّةِ؛ هنگامی که مؤمن از قبر خود خارج می شود، اعمالش به صورتی
 زیبا نمایان می گردد و با او سخن می گوید که من اعمال تو هستم و به صورت نوری در
 می آید که او را به سوی بهشت هدایت می کند».^۵

پاداش آدمی، همان کردار آدمی است: خدای متعال در بسیاری از آیات قرآن به این
 موضوع اشاره فرموده است: «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (النمل، ۲۷/۹۰)؛ «آیا جز به
 اعمالی که انجام می دادید، جزا داده می شوید».

«الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجمعة، ۴۵/۲۸)؛ «امروز همان را که می کردید جزا می یابید».
 «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم، ۵۳/۳۹)؛ «نیست برای انسان جز سعی و تلاشش».
 پس در حقیقت همان اعمال و کردار آدمی است که در برابرش مجسّم می شود و با او
 می ماند و او را شکنجه و آزار می دهد. کيفرش همان عملش می باشد، همان استکبار و
 کفر و بی ایمانی، همان بستن اتهام شعر و جنون به آیات الهی و پیامبر (ص)، همان ظلم و
 بیدادگری ها و زشتکاری ها.^۶

دنیا، کشتزار آخرت است: از بعضی آیات دریافت می شود که این جهان کشتزار سرای
 دیگر است و عمل انسان بسان دانه ای است که کشاورز در دل خاک می افشاند، سپس
 همان دانه رشد و نمو کرده و بسیار بیشتر برداشت می شود؛ اعمال انسان نیز در قیامت، با
 تبدلات و تغییرات بیشتری که لازمه سرای رستاخیز است، به خود انسان بازمی گردند.
 خدای متعال در این باره می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (الشوری، ۴۲/۲۰)؛
 «هر کس کشت آخرت را بخواهد، کشته او را افزایش می دهیم».^۷

در حدیثی پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ؛ دنیا کشتزار آخرت است».^۸
 و امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در نهج البلاغه فرموده است: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ؛
 عمل صالح کشت آخرت است».^۹

از امام صادق (ع) نیز نقل شده که فرموده است: «لِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ؛ برای هر کارنده،
 همان است که کاشته».^{۱۰}

عمل، توشه آخرت است: خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (البقرة، ۱۹۷/۲)؛ «توشه برگیرید که بهترین توشه [در این راه] تقوی است».

امام علی (ع) ضمن خطبه ای در این باره فرموده است: «وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید، و بازاد و توشه نیکو به سوی آخرت باز گردید، که پیشاپیش شما گردنه ای سخت و دشوار، و منزل گاه هایی ترسناک وجود دارد، که باید در آنجاها فرود آید و توقف کنید. آگاه باشید! که فاصله نگاه های مرگ بر شما کوتاه است؛ گویا چنگال هایش را در جان شما فرو برده است. کارهای دشوار دنیا مرگ را از یادتان برده، بلاهای طاقت فرسا آن را از شما پنهان داشته است؛ پس، پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید، و از پرهیزگاری کمک بگیرید».^{۱۱}

همسفر آخرت: رسول اکرم (ص) ضمن حدیثی خطاب به قیس بن عاصم فرمود: «ای قیس! ناگزیر باید همنشین و مصاحبی با تو در قبر دفن شود؛ در حالی که او زنده است و تو مرده ای. پس اگر بزرگوار باشد، تو را بزرگوار می گرداند و اگر ناکس باشد، تو را ناکس می سازد. روز قیامت محشور نمی شود مگر با تو، و تو محشور نمی شوی مگر با او، و از تو سؤال نمی کنند مگر از زشتی و نیکی او؛ پس قرار مده او را مگر صالح و پسندیده، زیرا اگر پسندیده باشد با او آنسی خواهی گرفت و از محبت او بهره مند خواهی شد و اگر فاسد باشد، تنها سبب وحشت و نفرت تو خواهد شد و آن مصاحب همان عمل تو می باشد».^{۱۲}

شیخ بهایی در کتاب «اربعین» سروده است:

ز فعل خویشتن بگزین آنیسی	که باشد قبر را نیکو جلیسی
جلیس قبر نبود جز فعالیت	کز آن ظاهر شود حال مثال
بود ناچار بعد از مرگ یاری	که باشد روز محشر غمگساری
پس ار کاری کنی باید چنان کرد	که راضی باشد از تو ایزد فرد
مکن خود را به شغلی در جهان بند	بجز آنچه رضا داده خداوند
که بعد از مرگ و پیش از مرگ یارش	نباشد مرد را جز فعل و کارش ^{۱۳}

رسول اکرم (ص) ضمن حدیث مفصلی فرموده است: «هنگامی که فرمان خروج از قبرها - از سوی خداوند با صور اسرافیل - صادر می شود، با هر انسانی اعمالی که در دنیا انجام داده است خارج می شود، زیرا عمل هر فرد در قبرش با او همنشین و مصاحب می باشد».^{۱۴}

خروج از قبر با اعمال: شیخ کلینی در اصول کافی از امام صادق (ع) روایت می کند که

فرمود: «همانا مؤمن وقتی از قبر خارج می شود، بدن مثالی با او خارج می شود و به شخص مؤمن می گوید: خداوند تو را مژده خیر دهد و این بدن مثالی با او همواره هست و از آنچه می ترسد، او را آرامش می بخشد و به آن چه دوست دارد مژده می دهد تا هنگامی که مؤمن در پیشگاه خداوند حاضر گردد، و چون دستور رسید که داخل بهشت شود، او گوید: مژده باد که خداوند امر فرمود که داخل بهشت شوی.

مؤمن گوید: تو کیستی! خدا رحمت کند وقتی که از قبر خارج شدم مرا مژده می دهی و با من در طول راه مأنوس بودی و از طرف پروردگام خبر می دهی؟
او گوید: من همان سرور و شادی هستم که تو در دنیا برای برادران مؤمن خود فراهم می آوردی. من از همان سرور آفریده شده ام تا تو را بشارت دهم و ترس و وحشت را آرامش بخشم». ۱۵

حضرت علی (ع) فرمود: «أعمال العباد فی عاجلهم، نصب أعینهم فی آجالهم؛ کردار بندگان در دنیا، در جهان ابدی در پیش روی آنان جلوه گر است» ۱۶. زیرا آخرت سرای شهود است که هر نهانی آشکار دیده می شود.

مولای متقیان علی (ع) نیز می فرماید: «هر کس تازیانه ای در دست ظالمی قرار دهد- این تازیانه- روز قیامت به صورت اژدهایی از آتش مجسم می شود که شصت هزار ذراع طول دارد، و آن را در میان آتش جهنم برای همیشه بر آن شخص مسلط می سازند». ۱۷
پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «هر کس به همسایه خود به اندازه یک وجب از زمین خیانت کند- زمین او را غصب کند- خداوند آن را به اضافه طبقات هفتگانه زمین، آتش می گرداند و روز قیامت به گردن او می آویزد و درون دوزخ می افکند». ۱۸

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «هر کس زکات مال خود را نپردازد، خداوند آن مال را به طوق هایی از آتش مبدل می کند؛ سپس به او گفته می شود همان طور که در دنیا به هیچ قیمت، این اموال را از خود دور نمی کردی، اکنون آنها را بردار و به گردن خود بیفکن». ۱۹

خدای متعال در این باره می فرماید: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران، ۳/ ۱۸۰)؛ «به زودی اموالی را که در مورد آن بخل ورزیدند، همانند طوقی در گردن آنها می آویزند».
این گونه تجسم، اشاره به این حقیقت است که انسان تمام سنگینی مسئولیت آنها را

تحمل خواهد کرد؛ بدون این که از آثار آنها بهره مند گردد. اموال سرشاری که به طور جنون آمیز جمع آوری و نگهداری گردد و در خدمت اجتماع نباشد، جز زنجیر و زندان، برای صاحب آن چیزی نیست، زیرا می دانیم بهره گیری شخصی از مال و ثروت، حدود معینی دارد و از آن که بگذرد جز یک نوع اسارت و سنگینی بیهوده نتیجه ای نخواهد داشت مگر این که از برکات معنوی آن برخوردار و در مسیر کارهای مثبت قرار گیرد.

این گونه اموال نه تنها در قیامت طوق سنگینی بر گردن صاحبانش خواهد بود بلکه در این دنیا نیز چنین است، منتها در رستاخیز آشکارا و در اینجا به صورت مخفی تری می باشد. ۲۰ رسول خدا (ص) می فرماید: «هر کس [در دنیا] منافق و دو رو باشد، در قیامت می آید در حالی که دو زبان دارد؛ یکی از عقب و دیگری از جلو و هر دو آویزان و شعله آتش از آنها بیرون می آید به طوری که تمام بدنش را آتش می گیرد؛ پس گفته می شود: این است آن که در دنیا دو رو و دو زبان بوده و به این کیفیت عذاب شناخته می شود». ۲۱

بر پایه برخی احادیث، می توان گفت تجسم اعمال در دنیا هم صورت گرفته است. ماجرای زیر حاکی از این حقیقت است: امام صادق (ع) فرمودند: «زنی به حضور رسول خدا (ص) آمد تا از مطلبی سؤال کند؛ عایشه در آنجا بود، وقتی زن برگشت، چون قدش کوتاه بود، عایشه با دست خود به کوتاهی او اشاره می کرد و بر او عیب می گرفت. حضرت خطاب به عایشه فرمود: اکنون استفراغ کن؛ عایشه عرض کرد: ای رسول خدا آیا من چیزی خوردم؟! باز حضرت فرمود: اینک استفراغ کن. پس عایشه استفراغ کرد و همه دیدند که پاره گوشت کوبیده از دهانش بیرون آمد». ۲۲

با توجه به این حدیث، دریافت می شود که غیبت حتی در این جهان به یک نوع جسم خارجی- یعنی: گوشت- مبدل و مجسم گشته است، تا چه رسد به عالم آخرت که عالم ظهور و بروز همه چیز است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «غیبت کردن زودتر دین شخص را از بین می برد تا بیماری خوره بدن آدمی را». ۲۳

«وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (الحجرات، ۱۲/۴۹)؛ «و هرگز [از حال درونی هم] تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید! آیا دوست میدارید گوشت برادر مرده خود را بخورید؛ البته که از آن کراهت و نفرت دارید».

قرآن و تجسم اعمال

در قرآن کریم به موضوع تجسم اعمال به طور عمومی اشاره شده است؛ چنان که خدای متعال می فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا...» (آل عمران، ۳/۳۰)؛ «روزی را یاد آورید که هر شخص هر کار نیکی انجام داده، در پیش خود حاضر می بیند و آنچه که بد کرده، آرزو می کند ای کاش میان او و کار بدش مسافتی زیاد فاصله بود».

«يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ* فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (الزلزلة، ۹۹/۶-۸)؛ «روز قیامت که خلق از قبرها پراکنده بیرون می آیند *پس هر کس به اندازه ذره ای عمل خیر کند آن را می بیند* و هر که به مقدار ذره ای عمل بد انجام دهد آن را می بیند».

«وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا» (الکهف، ۱۸/۴۹)؛ «آنان اعمال خود را [در موقف حساب] حاضر می بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم نکند».

«يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان، ۳۱/۱۶)؛ «[لقمان گفت]: ای پسرکم! اگر عمل تو هموزن دانه خردلی و در تخته سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد خدا آن را می آورد که خدا بس دقیق و آگاه است».

«هَذَا لِكِ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ» (یونس، ۱۰/۳۰)؛ «آن جاست که هر کس هر چه را که از پیش فرستاده، می آزماید».

«يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (النبأ، ۷۸/۴۰)؛ «روزی که آدمی هر چه [از نیک و بد] با دست خویش پیش فرستاده در پیش روی خود حاضر می بیند».

«بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَّا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ» (الأنعام، ۶/۲۸)؛ «بلکه آن چه را پیش از این پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شود».

«كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ» (البقرة، ۲/۱۶۷)؛ «این گونه خدا کارهایشان را که بر آنان مایه حسرتهاست به آنان می نمایاند».

«وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (النجم، ۵۳/۴۰)؛ «و این که [نتیجه] تلاش او [= آدمی] به زودی دیده می شود».

قرآن کریم گاهی نیز به طور خاص در موارد معین به تجسم اعمال تصریح فرموده است؛ چنان که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (النساء، ۱۰/۴)؛ «آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می خورند، در حقیقت در شکم خود آتش را فرو می برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند».

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران، ۱۸۰/۳)؛ «آنان که بخل نموده و حقوق فقیران را از مالی که خداوند به فضل خویش به آنها داده ادا نمی کنند، گمان نکنند که این بخل به منفعت آنها خواهد بود؛ بلکه به ضرر آنها است چه آن که آن مالی که در آن بخل ورزیده اند، در روز قیامت به صورت طوق های سنگین آتشین بر گردن آنها قرار خواهد گرفت».

تجسم اعمال در روایات

مسأله تجسم نه تنها مورد تصدیق و تأکید فراوان قرآن است، بلکه در روایات نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه ای که شیخ بهایی در یکی از سخنانش می گوید: تجسم الاعمال فی النشأة الاخریة قد ورد فی احادیث متکثرة من طرق المخالف و الموالف؛ یعنی: موضوع تجسم اعمال در جهان دیگر، به صورت مکرر ضمن احادیث نقل شده از طرق موافقین و مخالفین آمده است. ۲۴

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: «إِتَّقُوا الظلم فَإِنَّه ظلمات یوم القیامة؛ از ستمگری پرهیزید؛ زیرا ظلم و ستم در روز قیامت به صورت تاریکی ها مجسم و نمایان خواهد شد». ۲۵

ظاهر این روایت می رساند که خود ستم و ظلم در روز قیامت به صورت ظلمت و تاریکی تجسم می یابد.

امام صادق (ع) فرمود: جبرئیل نزد پیامبر (ص) آمده خطاب به ایشان عرض کرد: «عش ما شئت فانک میت و احبب ما شئت فانک مفارقه و اعلم ما شئت فانک ملائیه؛ هر طور که میل داری، زندگی کن؛ ولی سرانجام باید بمیری و هر چه و هر کس را می خواهی دوست بدار، سرانجام از او جدا خواهی شد، و هر عملی که می خواهی بجا آور، حقا که تو در قیامت آن را ملاقات خواهی کرد». ۲۶

علامه طباطبائی (قدس سره) در مورد «تجسم اعمال» نوشته است: بیشتر آیات قرآن دلالت می کند بر این که جزا در روز قیامت به عین اعمالی است که انسان انجام داده؛ چنان که خدای متعال فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (التحریم، ۷/۶۶)؛ «[ای کافران] امروز عذر نیاورید! جزای شما، همان عمل شما خواهد بود».^{۲۷}

علامه طباطبائی پس از آن که بر این مطلب هفت آیه شاهد می آورد می نویسد: به طور حتم اگر در تمام قرآن جز آیه ذیل نبود، برای مقصد کافی بود؛ زیرا غفلت در جایی گفته می شود که چیزی موجود و حاضر بوده و به آن توجه نشده و نیز کشف غطاء و پرده برداشتن در موردی اطلاق می شود که موجود پوشیده ای در کار باشد. بنابراین، اگر آن را که در قیامت می بیند، قبلاً در زندگی دنیا همراه او نباشد، صحیح نیست به او گفته شود از اینها غفلت کردی و از تو پنهان بود و امروز پرده از آن برداشتیم.^{۲۹}

«لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق، ۲۲/۵۰)؛ «تو از این روز در غفلت بودی، پس اینک پرده غفلت را از جلوی دیدگانت برداشتیم، و امروز چشمت تیزبین است».

-
- | | |
|---|--|
| ۱۵. الکافی، ۲/ ۱۹۱. | ۱. نور الثقلین، ۵/ ۲۲۸ و ۱۰۶؛ الکافی، ۳/ ۲۳۱. |
| ۱۶. نهج البلاغة «صبحی صالح»، ۴۷۰/ حکمت ۷. | ۲. الکافی، ۳/ ۲۴۱-۲۴۳. |
| ۱۷. ثواب الأعمال/ ۶۵۹. | ۳. منتخب التواریخ/ ۲۸۴ به نقل از دادگاه رستاخیز/ ۱۷-۱۷۱. |
| ۱۸. همان/ ۳۳۱. | ۴. نهج البلاغة «صبحی صالح»، ۴۱۴/ نامه ۴۱. |
| ۱۹. تفسیر نمونه، ۳/ ۱۹۱. | ۵. مفاتیح الغیب، ۱۷/ ۲۱۳؛ تفسیر نمونه، ۸/ ۲۳۵. |
| ۲۰. تفسیر نمونه، ۳/ ۱۹۰. | ۶. تفسیر نمونه، ۱۹/ ۴۷. |
| ۲۱. وسائل الشیعة، ۱۲/ ۲۵۹-۲۵۸. | ۷. تفسیر نمونه، ۲/ ۳۸۷. |
| ۲۲. بحار الأنوار، ۷۵/ ۲۵۶. | ۸. الکافی، ۲/ ۴۵۸. |
| ۲۳. قال رسول الله (ص): «الغیبة أسرع فی دین الرجل المسلم من الاکلة فی جوفه». ر. ک: الکافی، ۲/ ۳۵۷. | ۹. نهج البلاغة، ۶۴/ خ ۲۳. |
| ۲۴. بحار الأنوار، ۷/ ۲۲۸. | ۱۰. الکافی، ۲/ ۴۵۸. |
| ۲۵. الکافی، ۲/ ۳۳۲. | ۱۱. نهج البلاغة، ۳۲۱/ خ ۲۰۴. |
| ۲۶. منشور جاوید، ۹/ ۴۱۴. | ۱۲. بحار الأنوار، ۷/ ۲۲۸. |
| ۲۷. المیزان، ۱/ ۱۴۳. | ۱۳. أربعین، شیخ بهایی/ ۹۶. |
| ۲۸. همان/ ۱۱۶. | ۱۴. بحار الأنوار، ۷۴/ ۲۹۵. |